



شیوه برخورد لنین به دولت کرنسکی پس از شورش کورنیلیف

مقدمه

اکنون، در یکی از تندبادهای تاریخ معاصر، که نیروهای سیاسی با وضوح تمام ماهیت طبقاتی خود را بنمایش می‌گذارند، در شرایطی که ماسکها از چهره زدوده می‌شود و اپورتونیزم بی هیچ درنگی به سوسیال شوینیزم بدل می‌گردد، جنبش کمونیستی حقیقتاً انقلابی ایران وظیفه دارد با اکتفاء به برنامه انقلابی پرولتاریا، بی آنکه لحظه‌ای از وظیفه تاریخی پرولتاریا - کسب قدرت سیاسی - چشم ببندد با مراجعه به گنجینه عظیم جنبش جهانی کمونیستی و در راه آن آموزشهای لنین مبنای تاکتیک انقلابی را بیاموزد.

متذ لنین در برخورد با شورش کورنیلیف بعنوان تلاش ضد انقلاب منسوب روسیه پس از انقلاب فوریه که بمنظور اعاده قدرت سیاسی ارتجاعی ترین محافل بورژوازی، ملاکین و باندهای سیاه صورت می‌پذیرد، و در همان حال مرز بندی قاطع و انقلابی با دارودسته کرنسکی، گویکف، لووف - بورژوازی حاکم - و ایضا چخیدزه و شوره‌نلی، تبلور جوهر تاکتیک لنینی است: اعتماد به پرولتاریا، عدم اعتماد به بورژوازی، تکیه عملیات انقلابی - عمل و نه جمله پردازی - تکیه مداوم بر منافع اساسی پرولتاریا، تا - کید بر خصایص اصلی کل رژیم سرمایه داری با محاسبه شرایط مشخص بنیاد این تاکتیک مشخص لنین عبارتست از تمایز بین اشکال متفاوت و در عین حال انقلابی نزدیکی پرولتاریا به کسب قدرت سیاسی. تمایز بین قیام علیه کل بورژوازی و جنگ انقلابی علیه اردوگاهی از آن. از نظر لنین شرکت در جنگ علیه کورنیلیف (کاری که بطور همزمان ارتش کرنسکی به انجام آن مشغول است) با مبارزه علیه کرنسکی آلترناتیو دیگری نیستند. آنچه که می‌بایست انجام پذیرد آنستکه شرکت مستقل پرولتاریا در جنگ تا مبن شود و جنگ به جنگی انقلابی بدل گردد: شرکت مستقل پرولتاریا در جنگ علیه کورنیلیف، طرح مطالبات حداقل، انشای بی امان و بی‌گنجه ضد انقلاب حاکم، کشیدن توده‌ها به عرصه مبارزه و سرانگیختن و تهییج آنان، چیزی جز تضعیف بورژوازی و نزدیکی پرولتاریا به کسب قدرت سیاسی نیست.

اوت است که اینرا می‌نویسم و گیرندگان آن قبل از دوام سبتا مبر موفق به خواندندش نمی‌شوند. مع الوصف، وظیفه خود می‌دانم که مسائل زیر را بنویسم:

شورش کورنیلیف یک چرخش بسیار غیر قابل انتظار، و بطرز باور نکردنی تند در اوضاع است (غیر قابل انتظار، از آنرو که در چنین لحظه‌ای و در چنین شکلی رخ می‌دهد).

این چرخش، مانند هر چرخش تند، تجدید نظر و تغییر در تاکتیک‌ها را طلب می‌کند، و چون همیشه، در تجدید نظر کردن باید فوق العاده مواظب باشیم که از پرنسیپ‌ها عدول نکنیم.

عقیده من بر این است که آن افرادی دچار بی پرنسیپی می‌شوند که (مانند ولودارسکی) به سیاست دفاع طلبی و یا (مانند دیگر بلشویک‌ها) به سیاست تشکیل بلوک با اس - آرها و حمایت از دولت موقت سقوط می‌کنند. برخورد آنان مطلقاً اشتباه و از روی بی پرنسیپی است. ماتنیا پس از انتقال قدرت به پرولتاریا، پس از پیشنهاد صلح، پس از ازمیان رفتن قرار داده‌ها و وابستگی‌های مخفی بایانک‌ها - تنها پس از اینها - است که دفاع طلب خواهیم شد. نه تسخیر ریگا و نه تسخیر پتروگراد، هیچیک ما را دفاع طلب نخواهد کرد. (خیلی دلم می‌خواهد ولودارسکی اینرا بخواند). تا آن زمان ما خواهان انقلاب پرولتری خواهیم بود، ما علیه جنگ بوده و دفاع طلب نیستیم.

حتی الان هم نباید از دولت کرنسکی حمایت کنیم. این بی پرنسیپی است. ممکن است از ما سوال شود: آیا ما علیه کورنیلیف نخواهیم جنگید؟ البته که باید چنین کنیم! اما این دویک چیز نیست؛ یک خط فاصل در اینجا وجود دارد که برخی بلشویک‌ها، آنان که به موضع سازش افتاده‌اند و بخود اجازه می‌دهند که سیر وقایع آنان را بیا خود ببرد، از سر آن می‌پرنند.

ما خواهیم چنکید، ما با کورنیلیف در حال جنگیم، درست همانطور که سربازان کرنسکی هستند، لیکن مساز کرنسکی حمایت نخواهیم کرد. بالعکس

جنش کمونیستی ایران وظیفه دارد در برخورد با اشکال گوناگون تلاشهای ضد انقلاب سوزو - امپریالیستی که به منظور بورش نیایی به کارگران و زحمتکشان انقلابی ایران صورت می‌گیرد، بجای تکرار مداوم نظرات لنین - که بی شک گرانقدرند - و بجای فریته‌سازیهای بی ربط تاریخی، به فراگیری اسلوب و مواضع لنینی بپردازد و به طرح و اتخاذ تاکتیک‌های انقلابی دست زند.

اتحاد مبارزان کمونیست

۵۹/۷/۱۲

به کمیته مرکزی ح.ک.س.د.ر. (جسزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه)

شاید این سطور دیربدرست شما برسد، جسرا که وقایع آنچنان سریع رخ می‌دهد که گاهی کسی انسان را به سرگیجه می‌اندازد، روز چهارشنبه ۳۰

ضعف اورا افشا خواهیم نمود. تفاوت اینجاست. این تفاوتی نسبتا ظریف، منتهی بسیار اساسی است و نباید فراموش شود.

بدین ترتیب تغییر تاکتیک هایمان پس از نورش کورنیلف عبارت از چیست؟

ماشکل مبارزه خود علیه کرنسکی را تغییر ندهیم. مابقی آنکه حتی یک ذره دشمنی خود را نسبت به او تخفیف دهیم، بی آنکه (حتی) یکی از حرفهایی را که علیه او زده ایم پس بگیریم، بی آنکه از وظیفه سرنگونی او عدول کنیم، می گوئیم که می باید شرایط جدید را بحساب آورد. کرنسکی را در حال حاضر سرنگون نخواهیم کرد. وظیفه مبارزه علیه وی را بگونه ای دیگر عملی می کنیم، یعنی به مردم (کسانی که علیه کورنیلف می جنگند) ضعف ها و تزلزل های کرنسکی را نشان خواهیم داد. این درگذشته هم انجام شده است.

اما حالا، این مساله اهمیت حیاتی یافته است و این همان تغییر در تاکتیک است. بعلاوه، تغییر [در تاکتیک - م.م.] در این نهفته است که اکنون تهدید پیکار ما برای ارائه نوعی "مطالبات غیر بیطرفانه" به کرنسکی برای ما اهمیت حیاتی یافته است: میلیوکف را دستگیر کنید، کارگران را مسلح کنید، سربازان کرنشتاد، ویبورگ و هلسینگ فورس را به بطور گرا در فرخوانید، دوما را منحل کنید، رودزیانکو را دستگیر نمایید، انتقال املاک اربایی به دهقانان را قانونی کنید، کنترل کارگران بر غله و کارخانه ها را معمول دارید و غیره و غیره. ماباید این مطالبات را نه تنها به کرنسکی و نه آنقدر ها به کرنسکی که به کارگران، سربازان و دهقانانی که سیر مبارزه علیه کورنیلف آنان را در خود غرق کرده است، ارائه دهیم. باید انتیاق آنان را زنده نگه داریم، تشویقشان کنیم که با ژنرال ها و افسرانی که با کورنیلف هم دست شده اند، حسابشان را تسویه کنند، از آنان خواهیم که بلافاصله انتقال زمین به دهقانان را خواستار شوند، به آنان بگوئیم که دستگیری رودزیانکو و میلیوکف، انحلال دوما، بستن در روزنامه "رج" و سایر روزنامه های بورژوازی و تحت بنگرد قرار دادن آنها امری ضروری است. بخصوص اس - آرهای "چپ" را باید در این جهت سوق داد.

بسیار اشتباه است که تصور کنیم از وظیفه کسب قدرت بوسیله پرولتار با دورتر گشته ایم. خیر. سبب آن نزدیک شده ایم، نه مستقیما، بلکه از پهلوی. در حال حاضر ما نباید آنقدرها مستقیم علیه کرنسکی مبارزه کنیم که غیر مستقیم باید چنین کنیم، یعنی از طریق مطالبه جنگی حقیقتا انقلابی و هرچه فعالتر علیه کورنیلف. تنها

توسعه این جنگ، قادر است ما را به قدرت برساند. اما باید حتی المقدور بسیار کم از این مطلب در ترویج مان صحت کنیم (باید یادداشتن این مساله که چه بسا وقایع حتی فردا قدرت را در دست ما بگذارد و آنگاه آنرا از دست نخواهیم داد). اینطور بنظر می رسد که این مطلب می باید از طریق نامه (نه روزنامه ها) با اطلاع گروه های مروج و مبلغ و اعضای حزب، بطور کلی، برسد. ما باید بی امان علیه عباراتی چون دفاع از کشور، جبهه متحد دموکرات های انقلابی، حمایت از دولت مونت، و غیره و ذالک مبارزه کنیم، چرا که اینها تنها عباراتی تو خالی اند. ما باید بگوئیم: الان زمان عمل است؛ شما آقایان اس - آر و منشویک مدتها است که این عبارات را می تازد کرده اید. الان زمان عمل است؛ جنگ علیه کورنیلف باید به شیوه ای انقلابی رهبری شود، از طریق به عرصه کشاندن توده ها، از طریق بیدار کردن آنان و برافروختنشان (کرنسکی از توده ها می ترسد، از مردم می ترسد). در جنگ علیه آلمان ها هم اکنون باید عمل کرد، صلح فوری و بی قید و شرط، بر اساس موازین روشن می باید برقرار شود. اگر این امر عملی گردد، یک صلح سریع می توان بدست آورد و با جنگ می تواند به یک جنگ انقلابی بدل شود؛ در غیر این صورت کلیه منشویک ها و انقلابیون سوسیالیست (اس - آرها) نوکران امپریالیسم باقی خواهند ماند.

بعدالتحریر: پس از خواندن ۶ شماره از "رابو-چی" *، بعد از نوشتن این مطلب، می بایست بگوئیم که نقطه نظر انجمن منطبق است. من از ته قلب سرمقاله ها، نقد مطبوعات و مقالات در-خشان را به و - م و ول - ای تهنیت می گوئیم. اما درباره سخنرانی ولودارسکی، نامه اوسد هیئت تحریریه را خواندم، نامه ای که به همان صورت انتقادهای مرا "درز می گیرد". یک بار دیگر سلام گرم و تبریکات ممیمانه مرا بپذیرید.

لنین

کلیات آشار نوشته شده در ۳۰ اوت (انگلیسی) جلد (۱۲ سپتامبر) ۱۹۱۷؛ ۲۵ صفحات ۲۹۳-۲۸۹ برای اولین بار در پروادا شماره ۲۵۰، ۷ نوامبر ۱۹۲۰ منتشر شد.

* * *

* رابوچی (کارگر) - ارکان مرکزی حزب بلشوی-یک که بصورت یومیه از ۲۵ اوت (۷ سپتامبر) تا ۲ سپتامبر (۱۵) ۱۹۱۷ بجای پروادا که توسط دولت موقت توقیف شده بود، منتشر می شد. با احتساب ضمیمه ها، در کل ۱۲ شماره آن بچساب رسید.